

بسم الله الرحمن الرحيم

سوره مبارکه عادیات

استاد ضرابی دیماه ۱۳۹۹

جلسه سوم/۱۱/۱۰/۹۹

آیات شریفه: «إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ (۶) وَإِنَّهُ عَلَىٰ ذَٰلِكَ لَشَهِيدٌ (۷) وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ (۸)» - که انسان نسبت به پروردگارش سخت ناسپاس است (۶) و او خود بر این [امر] نیک گواه است (۷) و راستی او سخت شیفته مال است (۸)»

عنوان: سوگندهای الهی برای چه بود؟

آیه شریفه «إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ» جواب قسم «وَالْعَادِيَاتِ ضَبْحًا...» است؛ یعنی خداوند در مفاد قسم مطالبی مطرح و در واقع شاخص و میزانی از کردار و اخلاق و باور صحیح در برابر ما قرار داده است تا خود را در آئینه آن ببینیم (اسب پیکار و جنگ، مظهر بدن چالاک و قوی و نیز نفس رام شده‌ای است که مرکب انسان در دنیا و آخرت است که راکبش با شجاعت و تدبیر بر دشمن غلبه می‌کند) تا با مقایسه این الگو، همت و رفتار خود را مقایسه کرده، متذکر ناسپاسی خود شویم؛ و ببینیم که فرمانده این قهرمانان ستودنی (همان‌گونه که در شأن نزول آیه شاهد آن بودید) علی بن ابی طالب (علیه افضل صلوات المصلین)، جانشین و امام بر حق پس از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) است؛ و همان‌گونه که در روایات آمده میزان و شاخص سنجش، وجود مقدس آن جناب است، در زیارت ششم می‌خوانیم؛ «السلام عليك يا ميزان الأعمال»، و در ذیل آیه شریفه «فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (اعراف/۸) از امام صادق (ع) روایت نقل شده که «إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْأَئِمَّةَ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ هُمُ الْمَوَازِينُ: _ وجود

مقدس امیرالمومنین و ائمه از اولاد علی(ع)، میزان‌های سنجش اعمال در روز قیامت هستند» (بحار ج ۷ / ص ۲۵۲) همان‌گونه که در دنیا بهترین الگو برای ما بوده‌اند.

اینکه انسان نسبت به پروردگارش ناسپاس است یعنی شکر و سپاس نعمت‌های او را بجا نمی‌آورد؛ مقصود نعمت آب و نان نیست در آیه شریفه «ثُمَّ لَنَسْأَلَنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ» خواندیم نعمتی که سؤال می‌شود نعمت ولایت است و اگر این بزرگترین نعمت یعنی شاخص و میزان سنجش به کار گرفته نشود، تکلیف باقی نعمت‌ها و معامله با آن‌ها روشن است که چگونه در مسیر هواپرستی استفاده خواهد شد نه مسیر رشد و سعادت.

«عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ كَثِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي قَوْلِهِ تَعَالَى عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ عَنِ النَّبَأِ الْعَظِيمِ قَالَ النَّبَأُ الْعَظِيمُ الْوَلَايَةُ وَ سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِهِ هُنَالِكَ الْوَلَايَةُ لِلَّهِ الْحَقُّ قَالَ وَلَايَةُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع_ امام صادق علیه السلام راجع بقول خدای تعالی: «از چه می‌پرسند؟ از آن خبر بزرگ؟ فرمود: خبر بزرگ ولایت است، و از حضرت پرسیدم این آیه را «آنجاست ولایت برای خدا بر حق» فرمود: ولایت امیرالمومنین علیه السلام است.» (کافی ج ۲ ص ۲۸۶)

دوام دولت اندر حق شناسیست	زوال نعمت اندر ناسپاسی است
اگر فضل خدا بر خود بدانی	بماند بر تو نعمت جاودانی
چه ماند از لطف و احسان و نکویی؟	حرامت باد اگر شکرش نگویی

عنوان : چراغ هدایتی از درون

در آیه شریفه: «وَإِنَّهُ عَلَىٰ ذَٰلِكَ لَشَهِيدٌ» انسان ممکن نیست بخاطر طبیعتی که خداوند به او بخشیده، کمالات انسانی را نپسندد. «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَٰلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ»_ پس روی خود را با گرایش تمام به حق به سوی این دین کن با همان سرشتی که خدا مردم را بر آن سرشته است آفرینش خدای تغییرپذیر نیست این است همان دین پایدار ولی بیشتر مردم نمی‌دانند.» (روم ۳۰/)

آنچه مانع است لذات حیوانی است که در تعارض با فضائل انسانی قرار می‌گیرد. و انسان را در دو راهی عمل به ارزش‌های انسانی و انتخاب لذات زود گذر دنیایی قرار می‌دهد. و اگر به ارزش‌ها پشت پا زد، ممکن است برای دیگران عذر و بهانه‌ای بیاورد ولی خودش می‌داند چه کرده است. «بَلِ الْإِنْسَانُ عَلَى نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ وَلَوْ أَلْقَى مَعَاذِيرَهُ» بلکه انسان بهتر از هرکس بر (نیک و بد) خویش به خوبی بیناست ولو اینکه برای دیگران عذرتراشی کند. «(قیامت/ ۱۴)

چون به دریای رحمت افتادیم باطن ما ز عشق یافت ندا
که جهان نیست جز تجلی دوست این من و ما همان اضافات اوست

عنوان: آنچه باعث عصیان و نافرمانی خدا شد

«وَأَنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ» - در این آیه شریفه خداوند می‌خواهد همگان خطر بزرگ حبّ شدید انسان به دنیا را بشناسند. امام صادق (ع) مهمترین و نخستین حبّها را که باعث ارتکاب به گناه می‌شود چنین بیان نموده است: «إِنَّ أَوَّلَ مَا عُصِيَ اللَّهُ بِهِ سِتُّ حُبِّ الدُّنْيَا وَ حُبِّ الرَّئَاسَةِ وَ حُبِّ الطَّعَامِ وَ حُبِّ النِّسَاءِ وَ حُبِّ النَّوْمِ وَ حُبِّ الرَّاحَةِ». _ نخستین چیزی که با آن عصیان و نافرمانی خدا شد شش چیز بود: دنیاپرستی، حب ریاست، علاقه به غذا (شکم پرستی)، محبت (افراطی) زنان، پرخواهی و علاقه به راحتی و تن پروری. (بحار، ج ۷۰، ص ۱۸)

اما دلیل اینکه چرا دنیا در برخی چنین اثری دارد در فرمایشی از امام علی بن ابیطالب (ع) می‌خوانیم، فرمود: «ارْفُضِ الدُّنْيَا فَإِنَّ حُبَّ الدُّنْيَا يُغَمِّي وَ يُصِمُّ وَ يُبْكِمُ وَ يُزِلُّ الرَّقَابَ» _ دنیاپرستی را ترک کن چرا که حب دنیا چشم را کور و گوش را کر و زبان را لال می‌کند و گردنها را به ذلت می‌کشاند! طبیعی است که وقتی عشق به چیزی در وجود انسان چیره می‌شود، او را از روشن‌ترین واقعیت‌ها غافل می‌کند، چشم دارد اما گویی نابیناست، گوش دارد اما گویی ناشنواست، زبان دارد ولی جز به آنچه به آن دل بسته است گردش نمی‌کند و برای رسیدن به این محبوب خود یعنی دنیا تن به هر ذلتی می‌دهد. (کافی، ج ۲، ص ۱۳۶)

در بیان آثار زیانبار دنیاپرستی از پیامبر اکرم (ص) چنین آمده است: « اِنَّ الدُّنْيَا مُشْغَلَةٌ لِلْقُلُوبِ وَ الْاَبْدَانِ ؛ دنیاپرستی هم فکر انسان را به خود مشغول می دارد و هم بدنها را (نه آرامش فکر می گذارد و نه آسودگی جسم) » ! (بحار، ج ۷۴، ص ۴۸) و سخنی دیگر سرّ مطلب را اینگونه توضیح داده اند که : « اِنَّهُ مَا سَكَنَ حُبُّ الدُّنْيَا قَلْبَ عَبْدٍ اِلَّا التَّاطُّ بِثَلَاثٍ: شُغْلٍ لَا يَنْفَدُ عَنَاوُهُ، وَ فَقْرٌ لَا يُدْرِكُ غِنَاهُ، وَ اَمَلٌ لَا يَنَالُ مُنْتَهَاهُ ؛ دنیاپرستی در هیچ دلی ساکن نمی شود مگر اینکه او را به سه چیز آلوده می کند، گرفتاری مستمری را که هرگز خستگی آن پایان نمی گیرد و احساس فقر و بینوایی که هرگز به غنا نمی رسد و آرزوی درازی که هیچگاه پایان نمی گیرد » ! (بحار، ج ۷۴، ص ۱۸۸)

بیا که قصر امل سخت سست بنیادست بیار باده که بنیاد عمر بر بادست
غلام همت آنم که زیر چرخ کبود ز هر چه رنگ تعلق پذیرد آزادست

عنوان : نعمت‌های مادی دنیا ذاتاً مذموم و منفور نیستند

امام صادق (ع) برای رفع شبهه‌ای که ممکن است برداشت غلطی از دنیا پیش آورد، فرمود: «و الدنيا دنیائان: دنیا بلاغ و دنیا ملعونة_ و دنیا دو گونه است: دنیایی که به حد کفاف است (و انسان را به آخرت و معنویت) می رساند و دنیای نفرین شده (که انسان را از خدا دور می کند) » ! (اصول، ج ۲، ص ۱۳۰)

نعمت‌های مادی دنیا ذاتاً مذموم و منفور و زشت و پلید نیستند، بلکه تابع چگونگی بهره‌گیری از آنهاست ، اگر از آنها به طور صحیح بهره‌گیری شود، چهره‌ای محبوب و مطلوب و زیبا و جالب و پاک و پاکیزه دارد، در غیر این صورت منفورند.

یکی از یاران معروف امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که در حضور آن حضرت بودم که مردی (از روی تأسّف و تأثّر) عرض کرد: «به خدا سوگند ما طالب دنیا هستیم و دوست داریم دنیا عاید ما شود»! امام فرمود: «تُحِبُّ اَنْ تَصْنَعَ بِهَا مَاذَا؟!؛ تو این دنیا را برای چه می‌خواهی؟» عرض کرد: «اعُوذُ بِهَا عَلٰی نَفْسِيْ وَ عِيَالِيْ، وَ اَصِلُّ بِهَا، وَ اَتَصَدَّقُ بِهَا، وَ اَحُجُّ وَ اَعْتَمِرُ؛ می‌خواهم به وسیله

آن زندگی خود و خانواده‌ام (آبرومندانه) تأمین کنم و با آن صله رحم بجا آورم و برای خدا صدقه بدهم و حج و عمره بجا آورم.» امام فرمود: «لَيْسَ هَذَا طَلَبُ الدُّنْيَا هَذَا طَلَبُ الْآخِرَةِ؛ این طلب دنیا نیست، این طلب آخرت است!» [وسائل الشیعه، جلد ۱۲، صفحه ۱۹]

در مقابل آنکه چنین روحیه‌ای در او نبود را خداوند در آیه ۷۵ توبه مثال می‌آورد: «وَمِنْهُمْ مَنْ عَاهَدَ اللَّهُ لَئِنْ آتَانَا مِنْ فَضْلِهِ لَنَصَّدَّقَنَّ وَلَنَكُونَنَّ مِنَ الصَّالِحِينَ - گروهی از آنها کسانی هستند که با خدا پیمان بسته‌اند که اگر خداوند ما را از فضل خود روزی دهد قطعاً صدقه خواهیم داد و از صالحان خواهیم بود!»

این آیه درباره یکی از انصار به نام ثعلبة بن حاطب نازل شد که از پیامبر (صلی الله علیه و آله) درخواست کرد دعا کند خدا مال فراوانی به او دهد تا از آن در راه کمک به نیازمندان و رسیدن به مقام صالحان و شاکران بهره گیرد و پیامبر (صلی الله علیه و آله) با روحیه‌ای که در او سراغ داشت برای او دعا نکردند یعنی برای او مصلحت نمی‌دانستند ولی پس از اصرار دعا فرمودند.

ده روزه مهر گردون افسانه است و افسون نیکی به جای یاران فرصت شمار یارا
ای صاحب کرامت شکرانه سلامت روزی تفقدی کن درویش بی‌نوا را

عنوان: معامله من و تو با دنیا چگونه است؟

با اینکه حضرت رسول (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند: «نِعْمَ الْعَوْنُ عَلَى تَقْوَى اللَّهِ الْغِنَى - بهترین کمک برای به دست آوردن تقوای الهی، غنا و بی‌نیازی است...». (وسائل، ج ۱۲، ص ۱۶)

و نیز دلیل این کلام رسول خدا را امام صادق علیه السلام اینچنین تفسیر فرمود: «غِنَاً يَحْزُرُكَ عَنِ الظُّلْمِ خَيْرٌ مِنْ فَقْرٍ يَحْمِلُكَ عَلَى الْأَثَمِ - آن غنی و بی‌نیازی که تو را از ستم در باره دیگران بازدارد، بهتر از فقری است که تو را وادار به گناه کند!»

اما جا دارد که ما از خود بپرسیم معامله ما با دنیا تاکنون چگونه بوده است و پس از این چگونه خواهد بود؟

آیا ما از جمله کسانی هستیم که به فرمایش امیرالمؤمنین با دلایل کاملاً شرعی و قانونی، پشت پرده و در دل به دنبال هواهای نفسانی خود هستند؟ «كَلِمَةُ حَقٍّ يُرَادُ بِهَا بَاطِلٌ - گفتار حقی است که به آن باطلی اراده شده.» (خطبه ۴۰)

أَعَاذَنَا اللَّهُ مِنْ شُرُورِ أَنْفُسِنَا وَ مِنْ سَيِّئَاتِ أَعْمَالِنَا - خداوند ما را از شرور نفس و بدی‌های اعمالمان در پناه خود قرار دهد.

مجو درستی عهد از جهان سست نهاد	که این عجز عروس هزاردامادست
نشان عهد و وفا نیست در تبسم گل	بنال بلبل بی دل که جای فریادست